

| یاد |
|-----|
|-----|

## آیت‌الله محمد‌هادی میلانی و تحکیم روابط با نواندیشان دینی



از سال ۱۳۱۴ش به‌دنبال مبارزات روحانیون مشهد با حکومت رضاخان، این حوزه مانند دیگر حوز‌های علمیه سراسر کشور مورد تهاجم قرار گرفته بود و پس از حادثه خونین قیام گوهرشاد، روحانیون بزرگ‌این شهر دستگیر یا تبعید شده بودند. درپی سخت‌گیری عمومی دولت درباره لباس روحانیون، ششور و شوق علمی حوزه علمیه مشهد بهر کود و سسردی گراپیده بود و مدارس بزرگ و معروف مشهد در تصرف ادارات و اوقاف حکومت وقت بود و در این مدت رکود تا سال ۱۳۳۲ ادامه داشت که آیت‌الله سیدمحمد‌هادی میلانی (۱۲۷۳) تصمیم به‌اقامت دراین شهرمی‌گیرد

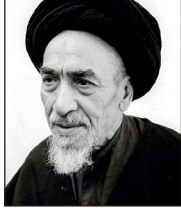
اصلاح وضع حوزه علمیه مشهد و شکوفایی بخشیدن به دروس مدارس دینی در این شهر اقدامی است که با‌اقامت ایشان انجام‌شد.نخستین اقدامی که مرحوم میلانی انجام دادند، بازسازی حوزه علمیه و سامان بخشیدن به دروس بودایشان چون در یافته‌بودند که منشأ پراکندگی علمی این شهر در طول سال‌های گذشته در فقدان اساتید بر پایه نهفته‌است،بدان جهت‌نیز ابتدا اساتید پر کار و شایسته را جذب این حوزه کرد. درس خارج اصول و فقه ایشان در مسجد گوهرشاد در شکوفایی دروس حوزه نقش بسزایی داشت و به‌مور زمان علما را در این شهر تمرکز می‌بخشید.مهم‌ترین دغدغه ایشان لزوم اصلاح شیوه‌های تحصیل به سبک نوین در حوزه بود. میلانی در حوزه علمیه قم، ایده‌های خود را درباره لزوم اصلاحات و تدوین برنامه‌های درسی مطرح کرد که مورد تأیید قرار گرفت.

یکی از ابعاد برجسته زندگی آیت‌الله میلانی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایشان بود.ایشان در روزگار استقرار در حوزه علمیه مشهد، موقعیت خاص و تثبیت شده‌ای به دست آورد.علاوه بر اینکه وزنه علمی بودند،زنه اجتماعی چشمگیری به حساب می‌آمدند.ایشان، اسنانی ملی، آزادو مبارز در خراسان و همین‌روزی بود که دانشگاهیان و آزادی‌خواهان در تهران و مشهد به سمت این مرجع آمدند. پس از رحلت آیت‌الله علم‌علی پروچردی، رژیم گناه به‌نصویر این‌حوزه علمیه دیگر قدرت سابق را در مهار عملکردهای ضد دینی او نداد. در رفتارهای اسلام‌ستیزانه خویش را آغاز کرد و به عنوان اولین حرکت، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی از سوی دولت اسدالله علم ابلاغ شد. آیت‌الله میلانی با توجه به برخورد شدید امام خمینی با این لایحه، نامه تندى را خطاب به نخست‌وزیر وقت، اسدالله علم چنین نوشت و خواستار لغو سریع آن شد. آیت‌الله میلانی نامه‌ی وارد مشهد شد که نیروهای هوادار دکتر مصدق نفوذ بالایی در میان قشر مذهبی شهر داشتند. محمدتقی شریعتی و طاهر احمدزاده به عنوان دو چهره فعال سیاسی - مذهبی شهر، نقش بسیار مهمی در جذب جوانان و جلوگیری از گسترش افکار مارکسیستی ایفا می‌کردند. و خوجه میانه‌رو

ایشان که حاصل شش دهه حضور در عراق بود، کمک زیادی به تحکیم روابط او با نواندیشان دینی می‌کرد. حضور ایشان در مشهد سبب شد که این شهر در جریان جنبش روحانیون در سال‌های نخست دهه ۴۰، محوریت بیشتری یابد. آیت‌الله میلانی فاجعه فیضیه قم در سوم فروردین سال ۱۳۴۳، را بحملات مغول و چنگیز مقایسه و آن را خویش خدمتی رژیم پهلوی به صهیونیسم و حرکتی برای نابودی اسلام اعلام کردند.در سال ۱۳۴۶ نیز یک بار که ایشان حاضر به رفتن به حرم برای دیدن شاهنشاه، وقتی روزنامه‌ای خبر آمدن آیت‌الله میلانی را اعلام کرد، ایشان به شدت آن را تakedید کرد.شاهد سفری که در ۱۷ فروردین ۱۳۴۴ به مشهد رفت، تلاش زیادی برای ملاقات با آیت‌الله میلانی کرد که سرسختی ایشان مانع از انجام این ملاقات شد. بررسی

سیاسی و حوزوی آن روز گزارش‌نشان می‌دهد که ایشان بر خلاف منش محتاطانه‌ای که در ظاهر داشت،نقش مهمی در مبارزات مسلحانه علیه رژیم شاه ایفا می‌کرد.فعالان هیات‌های مؤتلفه اسلامی که حسنعلم منصور را به جرم تبعید امام خمینی ترور کردند، مستند شرعی خود برای ترور نخست‌وزیر شاه ارفقای آیت‌الله میلانی ذکر می‌کنند. هرچند در یکی از اسناد ساواک آمده که مرحوم میلانی از استاد ترور منصور به خود ناخرسند بوده و در نامه‌ای به مرجع تهران و قلم این فتوا را تakedید کرده‌است.از اواخر دهه چهل به تدریج تغییراتی در مواضع آیت‌الله میلانی نسبت به مسائل انقلاب پیش آمد. گروهی معتقدند دو مساله مهم در ایجاد این دیدد نقش داشت.نخست کتاب «شهید جاوید»

و سپس ودی بحث‌های مربوط به ذکر تشریعی و حسینیة ارشاد از ارتباط خویش باعلی شریعتی و روایات مختلفی شده که گاهی باهم در تناقض است.زمانی آیت‌الله میلانی با پدر مرحوم شریعتی رفاقت صمیمی داشت، چنانکه در دور‌ای از حسینیة ارشاد هم دفاع کرده بود. آیت‌الله میلانی در مورخ ۱۳۵۲/۱۲۵ در پاسخ پرسش شخصی بانام قاسم دماوندی که از وی سؤال کرده بود رفتن به حسینیة چه حکمی دارد، اینچنین پاسخ می‌دهند: «لزام است از رفتن به آن محل و خواندن کتاب‌های مزبور خودداری کنید.» موضع گیری آیت‌الله میلانی علیه شریعتی، موقعیت دکتر را در مشهد متزلزل کرد و منبری هاشدیدا علیه او موضع گرفتند.شهید حاج مهدی عراقی درباره تریگی روابط انقلابیون با مرحوم میلانی در کتاب «گفته‌ها» صفحه ۱۹۳ نکاتی را مطرح کرده‌است. سال‌های پایانی عمر آیت‌الله میلانی، برای انقلابیون، سال‌های خوبی نبود و آنان به تدریج ارتباط با ایشان را قطع کردند. عزت‌الله اشکانی می‌گوید: «آقای میلانی آن زمان مورد اعتراض مبارزین قرار داشت؛ زیرا تحت نفوذ پسرش از مبارزین فاصله گرفته بود. ایشان آثار و تالیفاتی در حوزه تفسیر، فقه و اصول برج می‌گذاشت. این مرجع تقلید در ۱۷ مرداد ۱۳۵۴ و در ۸۱ سالگی در مشهد چشم از جهان فروبست و در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.



| تاریخ معاصر |
|-------------|
|-------------|



# گفتار فرهنگ ر جایی به مناسبت سالروز انقلاب مشروطه از گفتمان مشروطیت خارج نشده‌ایم

محسن آموزده بحث درباره مشروطه ایرانی از جنبه‌های گوناگون بی‌پایان به نظر می‌رسد و از همان نام این رویداد آغاز می‌شود، آن را «انقلاب» بخوانیم، یا «جنبش» یا «هفت» یا.. منشأ و نقطه آغازین آن کجاست؟ شکست ایرانیان از روس‌ها در عصر فتحعلیشاه که با آن گفتار مشهور عباس میرزا ولیعهد در گفت و گو با مردف رنگی بارها تکرار شده یا شیوع بیماری‌های فراگیر مثل وبا و مرگ و میر و فلاکت مردم؟ مشروطه از کجا و در میان کدام گروه‌های اجتماعی آغاز شد؟ طراحان و پیش‌برندگان آن چه کسانی بودند؟ نخبگان ثلاث یعنی روشنفکران و علما و بازاریان یا مردمان کوچک و خیابان؟ نقش نیروهای بیگانه به ویژه روس و انگلیس در شکل دهی و نحوه پیش‌روی آن چه بود؟ آیا باید آن را در بستر تحولات منطقه و بلکه جهان دید یا نقش عوامل داخلی را برجسته‌ساخت؟ یا مشروطه شکست خورد یا در تحقق آرمان‌های خود ناکام ماند؟ تغییرات بعدی جامعه ایران تا چه اندازه و به چه صورت متأثر از ویژگی‌های مشروطه ایرانی بود؟ پرسش‌های مذکور در طول صد و اندی سال گذشته همواره ذهن و ضمیر روشنفکران ایرانی را مشغول کرده و همین

بحث خود پیرامون موضوع «مشروطیت در جریان روز آمدی تفکر در ایران» را طی سه مطلب عرض می‌کنم. مطلب نخست به عنوان پیش‌در آمد، تکرار فهرست وار و یادآوری نکات بارزی است که در همایش دوازده روزه شهیدمویه نظم خوب و بیغ‌بیان شدند. از سوی دیگر اشاره می‌کنم به اینکه چرا ما از این ثمره بزرگ یعنی مشروطه کمتر بهره‌مند هستیم و این تحول بزرگ استوار نشد. مطلب دوم به عنوان مقدمه‌ای به بحث خودم جایگاه جریان فکر در ایران، به بررسی روند تحول و تغییر اسوه فکری بشری از جهان بینی خدا یا خدایان حضوری به انسان حضوری یا پیماند آن برای امر سیاسی اختصاص دارد. مطلب سوم، تحریر جایگاه نهضت و انقلاب مشروطیت در جریان تفکر در ایران است.

**میراث مشروطه**

همایش حاضر با غنسای مباحث و روشنی بینش استادان، خود بر آمده از سنت مشروطیت است. این مباحث نشان داد که مشروطیت نه فقط برای ایران بلکه برای کل منطقه و اقله‌ای تکان دهنده بوده و در ابعادی از زندگی جمعی ایرانیان او در جمله مقولات زیر دوران ساز و منابع گفت و گو کلان است:

۱- قانونمندی در معنای تازه و حجت گرفتن از این معنای قانون: سرآمد مقولات همان گفتمان یک کلمه

است که در این همایش هم مرتب مطرح شد و هنوز جای بحث دارد، زیرا به تعبیر یکی از سخنرانان، هنوز از گفتمان مشروطیت خارج نشده‌ایم.

۲- شیوه تازه‌ای از تاریخ‌نگاری هم از حیث روش و

**دیدگاه**

**سارا فیلی**<sup>(۱)</sup> - **بوپانکوبی**<sup>(۲)</sup>

در هفته‌ای که گذشت مجله مردم‌نامه نخستین نشست از مجموعه جلسات مجازی خود در باب مطالعات و تاریخ فرودستان هندی را بر گزار کرد. ظهور گروه مطالعات فرودستان به مثابه پروژه‌های تاریخ‌نگاره به اوایل دهه هشتاد میلادی در هندوستان بازمی‌گردد. گروهی از مورخین و اندیشمندان متفکر هندی در بستر و شرایط ویژه‌ای از تاریخ هندوستان و جنوب آسیا به این نتیجه رسیدند که رویکردها و اصطلاحا پارادایم‌های غالب تاریخ‌نگاری آن روز چون روایت چپ سنتی هندی، ناسیونالیستی یا سلخگوی توضیح‌تجارب خُرد صدهای حاشیه‌ای تاریخ آن دیار نیستند. از قبل درک این ضرورت بود که مورخین این گروه بر آن بودند تا صدهایی که به واسطه هژمونی کلان، روایت‌ها مجال بازتاب نمی‌یافتند را در عرصه تاریخ بازنمایی کنند. نتیجه این چرخش در دانش تاریخی پیدایش دوازده مجلد جدید در عنوان مطالعات فرودستان بود که در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ میلادی توسط مورخین عمده تا هندی به زیور

info@etemadnewspaper.ir



# گفتار فرهنگ ر جایی به مناسبت سالروز انقلاب مشروطه از گفتمان مشروطیت خارج نشده‌ایم

کوچک‌ترین گواه بر کامیابی مشروطیت است. امروز حتی سرسخت‌ترین منتقدان و مخالفان مشروطه ایرانی هم جرات نمی‌کنند از حق مردم برای تعیین سرنوشت خودشان عدول کنند یا لاقال در ظاهر، سخنی غیر از ضرورت برابری همگان در برابر قانون بگویند. آرمان‌های مشروطه با هر خاستگاهی و با هر روایتی از فراز و فرودش، امروز پس پشت رفتار و گفتار عموم مردم نفشین شده، حتی اگر بسیاری از آنها ندانند که برای آنچه امروز حق مسلم خود می‌پندارند، چه کوشش‌هایی صورت گرفته و چه خون‌هایی ریخته شده است. مهم‌تر آنکه تکاپو برای مشروطه‌خواهی همچنان ادامه دارد و تحقق کامل ایده‌آل‌های آن، آرزوی ملی به فارسی و انگلیسی در زمینه آستین بالا زدن و دست به کار شدن است. با گوشه‌نیشینی و عزلت‌گزینی، یا به یأس و ناامیدی خواندن، پناه بردن به موهومات «آنچه خود داشت» و غرق شدن در توهم «گذشته طلایی»، تکرار تئوری‌های توطئه «می‌گذارند، نمیشه» و... کاری از پیش نمی‌رود.

به مناسبت صد و پانزدهمین سالروز امضای فرمان مشروطیت در نیمه مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی، گروه‌های علمی مطالعات سیاست و تمدن ایرانی و روندهای فکری مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه همایش

۳- از نظر محتوا روز آمدی تفکر در ایران» را طی سه مطلب عرض می‌کنم. مشورع شدن بحث از تکترو و تساهل چند صدایی ۴- شمول همگانی ۵- بحث و ورود آرمان‌های دنیایی در گفتمان جمعی ۶- موازای مقالات ایدئولوژیکی ۷- تفکر درباره سامان موسسس (constitution) هنجاری و نظام حقوقی تازه ۸- برجسته کردن نظام سیاسی جدید ۹- تاکید بر تغییر خیالات به جای تاکید بر عرصه عمل، مشابه تاکید می که من بر برتری ی بیشن بر دانش دارم، اگر چه به هر دو نیاز مندیم. ۱۰- باز کردن بحث‌های جدی درباره مفهوم دستور سامان اساسی ۱۱- و زود مقوله عقود معین مثل ودیعه و میثاق

**من معتقدم مشروطیت شکست نخورد. تصور شکست خوردن مشروطیت مثل آن است که بگویم انقلاب فرانسه به علت بر آمدن پلشون بعد از آن شکست خورد. هنوز هم در فرانسه شکل نهایی جمهوری مشخص نیست و از قضا اهمیت موضوع نیز در همین است. اامعلت استوار نشدن مشروطیت، غیر از آنچه سایر محققان گفتند، این است که ما و سایر مردمان منطقه، گروگان هستیم. به تعبیر اریک هابز باوم که بین سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۹۱۴ از آن هم گروگان نفت و پیمادهای نظام سیاسی - اداری تحصیل‌داری شدیم.**

## به مناسبت نشست‌های ماهانه فصلنامه مردم‌نامه درباره تاریخ گروه مطالعات فرودستان تاریخ فرودستان و دستاوردهای آن برای علوم انسانی در ایران

طبیع آراسته‌شد پیدایش و تکوین مطالعات فرودستان در هندوستان را البته نباید تنها به عنوان یک رویکرد جدید در تاریخ‌نگاری تلقی کرد، بلکه بدون شک گروه مطالعات فرودستان و آثار آنها، زمینه‌ساز تحولات ژرفی در عرصه علوم‌انسانی در کشور هندوستان و همچنین دانشکده‌های مرتبط با مطالعات جنوب آسیا و حتی خاورمیانه و آفریقا در غرب و امریکا شدند. در حقیقت رشته تاریخ و رفتار از آن علوم‌انسانی‌س پس از ظهور مطالعات فرودستان، آمی‌توان به پیش‌و پس از ظهور این گروه در عالم علوم‌انسانی تقسیم کرد، تاثیری که مطالعات فرودستان بر جای گذاشت مسبب چرخشی در نحوه نگرش، اندیشیدن و نوشتن نسبت به تاریخ و مطالعات فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه

در زمینه‌های اصطلاحا غیر غربی شد. با نیل به اهمیت ژرف این گروه در سپهر علوم‌انسانی معاصر است که مردم‌نامه به عنوان تنها مجله پیشگام در حوزه تاریخ مردم به معرفی این جریان مهم معاصر پرداخته‌است. مردم‌نامه بر آن است تا طی سلسله نشست‌های خود در باب گروه مطالعات فرودستان، ضمن

مردم‌نامه (دوره تاریخ مردم) مرکز رگد سلسله نشست‌های مطالعات فرودستان

فهم مطالعات فرودستان به مثابه پروژ تاریخ‌نگارانه

سخنران: دکتر ناصر محمدی، مدیرعامل و مدیرعامل هیئت مدیره، مؤسسه مطالعات فرودستان، ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۷:۰۰

سخنران: دکتر ناصر محمدی، مدیرعامل هیئت مدیره، مؤسسه مطالعات فرودستان، ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۷:۰۰

رقابت امپراتوری‌های بزرگ شدیم، بعد از آن هم گروگان نفت و پیمادهای نظام سیاسی - اداری تحصیل‌داری شدیم. دولت تحصیل‌دار خودش را با سلخو نمی‌داند. همچنین هنوز گرفتار انقلاب روسیه و توهمات جامعه مطلوب کمونیستی آن هستیم. ایدئولوژیک شدن جهان و جنگ سرد و تاسیس اسرائیل و نقش مخربش در منطقه، از دیگر مشکلات اصلی ماست. الان هم منطقه گرفتار افراط‌گرایی و بنیادگرایی شده که با تخصص‌انگیزی بی‌نتیجه و بی‌پایان وضعیت را بغیرنمی‌کنند این عوامل نه فقط ماکه کل منطقه را درگیر کرده و ما هم نمی‌کوشیم آنها را مدیریت کنیم و تکلیف خود را بآنها روشن سازیم. من از نظری به توطئه‌سخن نمی‌گویم، زیرا این عوامل چالش هستند.

**چرخش جهانی**

بحث بعدی، چرخش جهان از شیوه تولید زندگی مادی کشاورزی به سوی نگرش انسان حضوری است که پیمایش در امر سیاسی به صورت حقانیت سیاسی شهرندان آشکار می‌شود. به نظر من این چرخش تصادفا در اروپا پدید آمد و نباید تصور کرد که همه چیز در آنجا رخ داده‌است. روایتی که از تحولات غرب غالب شده، نادرست و جعلی است. اتفاقا یونان باستان و روم باستان، جزو شرق هستند. کتاب اروپامحوری سمیرامین در این زمینه، روشنگر است. خلاصه اینکه به این چرخش بزرگ نه فقط اروپا بلکه ما و همه جهان توجه کردند. آنچه به عنوان قانون سامان سیاسی یا قانون اساسی مطرح شد، هم‌زمان با ایران در ژاپن عصر میجی و در عثمانی هم مطرح شد. قوانین اساسی کشورهای اروپایی هم تقریباً در همین دوره مطرح می‌شود. در مملکت ما هم مثل همه جای دنیا، این بحث از ۱۸۰۵ به تعبیر بهمین زبانی در کتاب «با کاروان معرفت، بررسی روند اعزام دانشجو به اروپا در دوره قاجار و تاثیر آن در نهضت مشروطیت» (۱۳۹۶) شروع شد.

**مشروطیت همچون یک روند**

مشروطیت یک روند است، نه یک واقعه. این تمایز بسیار اهمیت دارد. یک روند مقدمات، نقطه جرقه و نقطه فریاد دارد. به گمان من مقدمات مشروطه از همان سال ۱۸۰۵ شروع شد و همین‌طور با کاروان معرفت ادامه پیدا کرد. این وقایع در دوره محمد علی شاه، چنانکه همانا نقطه در کتاب جالب «ایران در راهایی فرهنگی» نشان می‌دهد، ادامه پیدا کرد. اما جرقه دو تا است، یکی همان سخن مشهور امیر کبیر است که می‌گوید خیال کنسلیطوسیون دارد. این بحث سه دلالت داشت: نخست محدود کردن دولت استبدادی، قانون و حقوق ثایته مردم. اما جرقه دوم همان رساله مشهور یک کلمه است، جالب است که این دو تقریباً هم‌زمان رخ می‌دهد. یعنی رساله یک کلمه در سال ۱۲۴۸ مطرح شد و امیر کبیر هم در همان دوران خواسته خود را مطرح می‌کند. فریاد مشروطه از حکومت سلالا، خود در تهران به گوش می‌رسد، یعنی از ۲۱ تا ۱۲۸۴ با فاکل کردن غلنی چند تاجر خوشنام شروع شد. این مرحله اول این جریان عظیم چرخش ماست.

اما مقدمات مرحله دوم از کودتای ۱۲۹۹ شروع شد. بیابینه مشهور رضاخان با عنوان «حکم می‌کنم» آغاز بر حله دوم نهضت چرخش ماست. از مراحل مقدماتی این چاپ کتاب دکتر مصدق تحت عنوان حقوق پارلمانی در ایران و اروپا (۱۳۰۲) به هزیننه خودش است. اما جرقه این بار حله، با طرح دو فویرتی دکتر صدق در سخنرانی‌اش است که بعد از آن به قانون ملی شدن امتیاز نفت منجر شد و فریاد این مرحله نیز در خود دکتر صدق به گوش می‌رسد که می‌دانیم یا چه نتجولاتی همراه بوده‌است. من فریاد آن را در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ می‌شوم که قانون ملی شدن صنعت نفت به تصویب رسید و همچنین دهم اردیبهشت ۱۳۳۰ که قانون اجرای ملی شدن نفت تصویب شد.

اما مرحله سوم این چرخش انقلاب ۱۳۵۷ است که از مقدمات آن می‌توان به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تاسیس ساواک در سال ۱۳۳۵ و بازبینی قانون اساسی در ۱۳۴۶ اشاره کرد. هر چه این مرحله را در سال ۱۳۳۲ می‌بینیم، در این سال مرحوم سیدمحمد طالقانی را دیگر رساله مشهور تنبیه‌الامهون تنزیه بالمعلمه حوم‌پایینی را منتشر می‌کنند این جرقه بعدا تا خرداد ۱۳۴۱ ادامه پیدا کرد که بهترین روایت آن تا به روزی در کتاب ودجلدی «نهضت دوماهر و حیات» نوشته علی دماوندی در کتابه بوده‌است. فریاد آخر این بار حله، از ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶ با نشر مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» نوشته احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات آغاز شد و تا ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ که بعداز روز جمهوری اسلامی رها شده، ادامه پیدا کرد. اگر این سه مرحله را به عنوان تحولات دنباله‌دار در یک سده انقلاب ببینیم، آنگاه جایگاه نهضت مشروطیت نه فقط مشخص تر می‌شود، در بستر این تحولات روشن می‌شود که جریان مشروطیت نه فقط ناکام نماند، بلکه ماکان تلاوم دارد.



تاریخ فرهنگی و زیرشاخه‌های آنها چون تاریخ شنیدن در اتنوموزیکولوژی ایرانی به‌شدت نادیده انگاشته شده و همچنان بخش مهمی از گفتمان حاکم بر این رشته تحت سیطره رویکردهای بسیار قدیمی و ارزش‌محورانه قرار دارد. از این لحاظ، بستر و شرایط برای آشنایی با دستاوردهای علوم‌انسانی معاصر در دانشگاه برای آشنایی دانشجویان این رشته با چنین رویکردهایی چندان هم‌نیاست. بنابراین، با درک اهمیت جایگاه این سنت فکری در تاریخ اجتماعی و همچنین کاستی‌های متعدد آموزش عالی در معرفی دستاوردهای نظری اخیر است که مردم‌نامه در نشست‌های ماهانه خود با حضور صاحب‌نظران برجسته، به بررسی جنبش تاریخ‌نگاری فرودستان می‌پردازد. به امید آنکه این نشست‌ها در آگاهی‌رسانی و ابجاد چرخش در کلیه رشته‌های علوم‌انسانی از جمله اتنوموزیکولوژی توفیق لازم را کسب‌کنند.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد اتنوموزیکولوژی دانشگاه تهران.

۲- دانشجوی دکتری اتنوموزیکولوژی، دانشگاه شهرک نیویورک.

سه‌شنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۰، اول محرم ۱۴۴۳، ۱۰ اگوست ۲۰۲۱، سال نوزدهم، شماره ۴۹۹۷

| مرور کتاب |
|-----------|
|-----------|

### فیلسوف بحران و مساله «شهود»

هوسرل را به واسطه تجربه زیست‌شاش در عصری پر تلاطم، فیلسوف بحران نامیده‌اند. این صفتی است که مترجم کتاب «نظریه شهود در پدیدارشناسی هوسرل» در مقدمه خود بر آن تصریح می‌کند. دوره زندگی ادموند

عظیم محمودآبادی

هوسرل (۱۹۳۸-۱۸۵۹) با دوران پوستاندازی اروپا مقارن شده بود. دورانی که مرزهای کهن در حال ترک برداشتن بودند و دولت‌ها یکی پس از دیگری فرو می‌افتادند و نظم و نظامی تازه سر بر می‌آورد و ملت‌های جدید در حال شکل‌گیری بودند. هوسرل در چنین زمین و زمانه‌ای می‌زیست و خودش نیز از این وضعیت بی‌نصیب نماند؛ به‌رغم اینکه زادگاه او در محدوده مرزهای امپراتوری اتریش - مجارستان بود اما تابعیت آلمان را پذیرفت و در نهایت هم به یکی از مشهورترین و البته مهم‌ترین فلاسفه آلمانی قرن بیستم تبدیل شد. عمر او مصادف با زمانی بود که از در و دیوار جهان بانگ ملی‌گرایی به گوش می‌رسید و ناسیونالیسم گوش فلک را کر و چشم خلاق را کور کرده بود. هوسرل اگر چه جنگ جهانی اول را به چشم خود دید اما آن قدر بخت را بود که شاهد دومین آن نباشد و پیش از اینکه نعره نفاس جنگ بار دیگر بر دوش جهان جاری مرگ سر دهد، چشم از جهان فروبست و نبود تا تحفه انسان مدرن را در جهان جدید و وضعیت خودساخته بشر پیش از ینش ببیند. همان وضعیتی که هوسرل آن را ناشی از بحران علوم می‌دانست: بحران‌ای که به‌زعم او نتیجه تضعیف علوم انسانی و اجتماعی به نفع علوم طبیعی بود. آری هوسرل البته تنها به تشخیص مساله اکتفا نکرد - و به سهم به غایت در خور توجهش - تلاش کرد در عصری که آشنه‌های وافی برای فلسفه‌زایی از علم و جهان وجود داشت، از فلسفه اعاده حیثیت کند. چنانکه مترجم کتاب فوق‌الذکر در مقدمه خود می‌نویسد: «مانی کانت در پیشگفتار ویراست اول نقد عقل محض شکوه کرده بود که متافیزیک که زمانی ملکه همه علوم بود اکنون هتک حرمت شده و آواره گشته‌است. متافیزیک بی‌سرزمین است و بی‌سرزمینی‌اش را هم‌معنی از دست رفتن علت وجودی‌اش تلقی کرده‌اند این سرزمینی در دوره هوسرل عمیق‌تر و فاجعه‌بار تر شده بود و فوج‌های «شکاگان، همچون کوچه‌نشینان که از کشت و زرع دایم زمین متفرغه‌اند، با آخرین سلاح برنده خویش که عبارت بود از روان‌شناسی گرایید، در کاروانی کامل متافیزیک را ویراند. جلد نخست «پژوهش‌های منطقی» هوسرل دفاعی است جانانه از فلسفه جدیدی آن تلاش فلسفی برای بیرون‌رفت از این وضعیت بحرانی. «هوسرل معتقد بود پژوهش فلسفی دقیق و گروهی فلسفان، می‌توان بحران غرب - که ناشی از بحران علوم بود - را حل کرد؛ از نظر او از نسبی‌گرایی که سببای شومش بر سراسر اروپا سایه افکنده بود، نه صرفاً یک مکتب سیاسی - نظامی بلکه اساساً نوعی ایدئولوژی و جهان‌بینی به غایت خطرناک بود که ریشه در شکایت مدرن و بحران علمی محدود رسید و رویکردهای انتزاعی رضایتی و پرورده شده از زیست جهان انسانی داشت. بر همین اساس بود که به پلایش مدام باورهای انسانی تاکید داشت و اساساً آن را شرط انسایت می‌دانست این ضرورت پالودن باور را نظر اوالبتنه محدود به باورهای ایدئولوژیک دینی و الهیاتی نبود، بلکه شامل باورهای علم گرایانه و تجددخواهانه‌اش از عصر روشنگری نیز می‌شد. همان باورهایی که هم در زمان هوسرل و هم در دهه‌های بعد از آن به شکل خدشناپذیری در حال تقدیس و تکریم بود. ما هوسرل اساساً انسان بودن را در کورگودایم باورهای انسانی می‌دانست. از نظر او، انسانیت ما اقتضای کند که باورهای مان را بیازماییم. این سخنان هوسرل چقدر یادآور سخن کانت در مقاله «روشن‌گرایی چیست؟» است. همان مقاله‌ای که در آن کانت، آن جمله طلایی را می‌گوید که در عین سادگی، طریقی به پیچیدگی‌هایی دارد که همه فهم آن و هم‌آز آن مهم‌تر عمل به آن، به این سادگی هانیست: «شهامت اندیشیدن داشته باش» این عبارت اگر چه خیلی ساده به نظر می‌رسد اما کانت در سراسر آن مقاله تلاش می‌کند دشواری‌های این کار را نشان دهد که همان اندیشیدن است نشان دهد. او خود تصریح می‌کند که سخت‌ترین کار برای انسان فکر کردن است و این کار، شهامتی سترگ می‌طلبد و در عوض معتقد است که باثانی، آسودگی است که در همان مقاله است که کانت به این نکته ظرف اشاره می‌کند که کسانی هستند کتاب می‌خوانند تا از رنج فکر کردن معاف شوند... و چقدر این جملات عمیق است. چقدر نشان دهنده ذهن مهذب و مجرب‌ای است که عمری را در تجربه خواندن، نوشتن و اندیشیدن گذرانده‌است. عبارت کانت درباره اهمیت شهامت در اندیشیدن از مشهورات او است که اینجا و آنجا به‌طور مورد استناد و استشهاد قرار می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد در غالب این ارجاعات به‌کنه آنچه گفته کمتر عنایت می‌شود

در بسیاری موارد، یک فهم سطحی از آن برداشت می‌شود: فهمی که گوئی کانت آن جمله طلایی را تنها درباره مواجعه با قدرت‌های سیاسی، ایدئولوژی‌های حاکم و ادیان گفته‌است. حال آنکه احتمالاً این کمترین منظور کانت از افاد آن معنای بلند بوده‌است، بلکه او در صدد آن بوده که نشان دهد چقدر آدمیان نسبت به هر باوری که به‌پا آن خود گرفته‌اند و در شش می‌دانند، حالت دفاعی پیدا می‌کنند تا بر دامن کبرپایایی باورشان ننشینند گردا و این تفاوتی نمی‌کند که آن باور یک عقیده دینی باشد یا در جریحی سیاسی، علم‌گرایی باشد یا ایدئولوژی باوری و قس علی‌هذامهم این است که چیزی که به باور انسان تبدیل شد برای او سخت‌است که از آن دست بکشد یا نقصان‌ها و کم و کاستش روبه‌رو شود. هوسرل اما از فلسفه‌ای است که به قدر کثایت از این فضیلت‌برخوردار بوده جدید، گوشش را کور و چشمش را کور نکرد؛ آری او شهامت اندیشیدن در شش‌تا این از جمله هرهایی است که می‌دان این رشته بود. «نظریه شهود در پدیدارشناسی هوسرل» کتابی است نوشته ادموند لویناس که

خود در فلسفه جایگاهی مهم دارد. این رساله او هم از قضا همانی است که موجب شش‌ذراپل سسار تر دربارش بگوید: «هن به واسطه لویناس به پدیدارشناسی رسیدم.»

